



نوجوانان از دانش فراری اند؟!

دکتر مبین صالحی

کسب علم و دانش هرچند برای ما بزرگترها ضروری به نظر می‌رسد، اما در دوره نوجوانی ظاهر آرنج می‌بازد. البته در سال‌های دبستان نیز کودکان بیش از آن‌که به دلیل اهمیت علم برای ساختن زندگی آینده درس بخوانند، دلایل دیگری دارند: جذابیت درس خواندن و بودن در مدرسه، احساس تکلیف یا اجبار، دریافت تحسین از والدین و آموزگار، رقابت با همسالان و تقلید. این دلایل چیزی نیست که بتواند نوجوان نارس را مجاب کند وقت و انرژی خود را صرف درس خواندن کسل‌کننده کند! و این شروع مشکل والدین است. در ادامه با چند ویژگی دوره نوجوانی و سپس راهکارهایی برای بانگیزه ساختن درس خواندن در این مقطع سنی آشنا می‌شوید.

کودک در مدرسه می‌آموزد با شغلی که قصد دارد در آینده انتخاب کند، او را هدفمند می‌سازد. در واقع بیزاری از درس خواندن و مطالعه در این سن نشانه‌ای از احساس بی‌هدفی است. گفتگوهای منطقی و همدلی با نوجوان درباره احساس‌هایش بستری مناسب برای ارائه توضیحات منطقی به او فراهم می‌آورد. در این گفتگوها نوجوان متوجه می‌شود برای پزشک شدن، فقط آرزو کردن کافی نیست، بلکه باید متناسب با اهداف برنامه داشت و تلاش کرد.

کاربردسازی: گاهی نوجوان به دنبال اینجا و اکنون است؛ الان درس خواندن به چه دردم می‌خورد؟ پاسخ به این پرسش آسان نیست، اما یافتن کاربردهایی برای درس خواندن و مطالعه در امور روزمره کمک‌کننده است. لازم نیست از او بخواهید از فرمول‌های فیزیک و شیمی در حل مسائل زندگی استفاده کند. گاهی جدی گرفتن و مشورت با نوجوان درباره مسائل زندگی باعث می‌شود از دانسته‌هایش بیشتر و بهتر استفاده کند. حتماً نمونه‌هایی از این موارد را دیده‌ایم: «تو کتاب علوممون نوشته...».

تفکر انتقادی: به نوجوان کمک کنید با نگاه بازتر دنیا را ببیند. هرچند او توانایی

به شغل است؛ البته بد هم نیست! اما نوجوانی، به‌ویژه وقتی به اواسط می‌رسد، شروع توجه دقیق‌تر واقع‌گرایانه‌تر به انتخاب شغل است. نوجوان اهداف واقعی‌تر و در دسترس‌تری برای یافتن شغل دنبال می‌کند: کسب درآمد بیشتر، جایگاه اجتماعی برتر، خدمت به مردم و اهداف معنوی والا.

تفکر انتزاعی: فکر کردن ابزار اصلی یک زندگی موفق است. هرچه بزرگتر می‌شویم هم ابزارمان قوی‌تر می‌شود، هم در استفاده از آن ماهرتر می‌شویم. کودک تفکر ساده، عینی و نامنظمی دارد. ذهنش خیلی تحلیلی و نقاد نیست. عمق تفکرش اندک است. و در حل مسائل پیچیده زندگی توانایی کافی ندارد. اما نوجوان عمیق‌تر، دقیق‌تر و نظام‌مندتر می‌اندیشد. نگاه ساده‌ای به مسائل زندگی ندارد. آدم‌ها را به بدها و خوب‌ها تقسیم نمی‌کند. او می‌داند که دنیا، افراد و اشیاء اغلب ترکیبی از بدها و خوب‌ها هستند. درس خواندن کسل‌کننده است؛ اما فوایدی هم دارد. معلم خیلی تکلیف می‌خواهد، اما بهتر است تحملش کنم!

روش‌هایی برای ترغیب به علم‌آموزی
ارتباط با شغل آینده: مرتبط ساختن آنچه

ویژگی‌های نوجوانی

شکل‌گیری هویت: نوجوانی زمان پیدا کردن خود است. نوجوان نسبت به دانسته‌ها، باورها و داشته‌های پیشین دچار تردید می‌شود. می‌خواهد بداند کیست و سرانجامش چیست. هویت وقتی شکل گرفته است که شخص بداند کیست، برای چه چیزی ارزش قائل است، و چه تصمیمی برای طی مسیر زندگی دارد. نمی‌توان و نباید نوجوان را صرفاً با استدلال کلامی قانع ساخت که به نظامی از ارزش‌ها متعهد شود. او باید خود برسد، البته با یاری بزرگسالان و مراقبان دلسوز. والدین می‌توانند با نشان دادن مسیر درست و تشویق برای کاوش درون و برون، نوجوان را در این مسیر دقیق و پیچیده کمک کنند.

توجه جدی‌تر به انتخاب شغل: فرزند انسان همواره به داشتن شغل فکر می‌کند. گویا کسب شغل امری فطری است. فطرتی که نیاز به راهنمایی دارد. دختر خردسال از زمانی که عروسک در آغوش می‌کشد، پرستاری کردن و مادری کردن را تجربه می‌کند. بزرگتر می‌شود و از بازی معلم-شاگرد لذت می‌برد. وارد دبستان می‌شود و آرزوی دکتر شدن دارد. این یک نگاه تحلیلی نسبت

مدرسه
→



نگاه نقادانه را کسب کرده؛ اما هنوز نیاز به تمرین دارد. گام اول پذیرش انتقادات او توسط والدین است. به جای بحث بی حاصل برای قانع ساختن نوجوان، حرف هایش را بشنوید و اگر قابل پذیرش است بپذیرید، اما به او یادآور شوید که من هم دیدگاه‌هایی دارم. برای مثال وقتی نوجوان درس خواندن را کاری بی فایده می‌داند، سریع پاسخ دندان شکن به او ندهید! بپرسید که چه علت‌هایی برای این ادعا دارد. اگر برخی از دلایلش صحیح است، همدلانه بپذیرید و سپس دلایل خود را بیان کنید.

تومیه‌های دینی: گاهی از طریق باورها و علایق دیگر فرد می‌توان برای قانع‌سازی او استفاده کرد، چنانچه مادر به کودک خردسال خود که به بزرگ شدن و قد کشیدن علاقه دارد، پیشنهاد غذا خوردن می‌دهد. می‌توان به نوجوانی که دل‌بستگی مذهبی دارد از همین راه نزدیک شد. دین به افراد هدفمندی و هویت می‌بخشد. اشاره به توصیه‌های دین اسلام و بزرگان دینی برای کسب علم، انگیزه‌بخش خواهد بود.

الگودهی: نوجوان برای یافتن خود نیاز به الگو دارد. بسیاری از نوجوانان الگوهایی مانند دانشمندان برجسته معاصر و گذشته، فرماندهان شهید جنگ و ورزشکاران و بازیگران محبوب را انتخاب می‌کنند. صحبت کردن و خواندن زندگی‌نامه الگوهایی که به کسب علم توجه ویژه‌ای داشتند می‌تواند به انتخاب اهداف مؤثرتر نوجوان کمک کند.